

نقد و بررسی فیلم مستند علف در ایل بختیاری از منظر جامعه‌شناسی قوم‌نگارانه

بهرام نیک‌بخش* - استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۷ آبان ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۰ دی ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: «علف» از نخستین فیلم‌های مستندی است که درون مایه مردم نگارانه دارد، فیلمی به کارگردانی مریان کوپر، شود ساک و هریستون امریکایی که در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی (میلادی ۱۹۲۵) ساخته شد.

هدف پژوهش: هدف این فیلم، روایت تصویری کوچ طایفه باباحمدی از ایل بختیاری به سرپرستی حیدر خان و پسرش لطفعلی بعنوان شخصیت اصلی است، که از نوع تحقیقات میدانی مشاهده همراه با مشارکت محسوب می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق: پژوهش حاضر به نقد جامعه‌شناختی و بررسی فیلم با استفاده از روش «اتنوگرافی» متأثر از نظریه رمانتیک آمریکایی و مقایسه آن با نظریه مالینوفسکی در گینه نو پرداخته است. روش پژوهش، اسنادی و تاریخی و بر اساس تحلیل محتوی، فیلم «علف» به شکل «تایل گرایانه» است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: محدوده مورد مطالعه شهرستان‌های کوهرنگ، لالی و مسجدسلیمان می‌باشد. بر اساس فیلم علف، تعداد افراد کوچ رو بیش از پنجاه هزار نفر زن و مرد به همراه احشام زیادی، کوچ را از خوزستان به سمت چهارمحال و بختیاری به فاصله بیش از ۵۰۰ کیلومتر در فصل بهار (اوایل اردیبهشت ماه) آغاز نمودند.

یافته‌ها و بحث: بر اساس تحلیل ثانویه، یافته‌های مرتبط با فیلم «علف» مورد بررسی و نقد قرار گرفت، سپس با تطبیق یافته‌های بدست آمده و مقایسه آن با اصل محتویات فیلم، به شکل انتقادگرایانه درون مایه آن بررسی و تحلیل شد. در نهایت ضمن بررسی و انتقادات وارده بر فیلم مشخص شد که: «عدم رعایت بازتابندگی» در قوم‌نگاری مشهود است.

نتایج: بر اساس روش «امیک» در روش قوم‌نگارانه می‌توان گفت که کوپر و همکارانش وقایع پیرامون را بیشتر از زاویه دید خود می‌نگریستند تا مردمان کوچرو ایل بختیاری. همچنین بر اساس رویکرد «اتیک» (نگاه درونی به اتفاقات پیرامون)، درون مایه فیلم مورد نقد قرار گرفت، چرا که مطابق دیدگاه ژرژ لاساد، مشاهده‌گری فعال و همراه با مشارکت همواره باید در میدان تحقیق شکل گیرد. همچنین می‌توان گفت که فیلم «علف» از یک نوع نگاه «اوریتالیستی» (از دیدگاه ادوارد سعید) برخوردار است، چون، «اوریتالیسم»، تاریخ دروغینی از شرق به شیوه دلخواه و مورد علاقه غربیان است.

کلیدواژه‌ها: ایل بختیاری، قوم‌نگاری، فیلم علف، کوپر، ساک و هریستون.

مقدمه

با توجه به ریشه‌ی یونانی اصطلاح روش‌شناسی مردم‌نگارانه، به معنای روش‌هایی است که مردم هر روزه بکار می‌گیرند، این روش بر آن است تا ثابت کند جامعه چیزی نیست جزء دستاوردهای عملی و پیوسته جاری افراد معقول (وایگرت، ۱۹۸۱، به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۶۴). در راستای این روش مردم‌نگارانه و بر اساس فیلم علف، تعداد افراد کوچ رو بیش از پنجاه هزار نفر زن و مرد به همراه احشام زیادی، کوچ را از خوزستان به سمت چهارمحال و بختیاری به فاصله بیش از ۵۰۰ کیلومتر در فصل بهار (اوایل اردیبهشت ماه) آغاز نمودند. کوپر و همکاران نخستین فیلمبرداران آمریکایی بودند که در سال ۱۹۲۴، با سفارش نامه کتبی ایل بیگی بختیاری (امیر جنگ) و حیدر خان اجازه یافتند همراه ایل از زردکوه بختیاری عبور کنند و در مدت ۴۵ روز از کوچ ایل فیلم بگیرند (بهارلو، ۱۳۷۹: ص ۲۲). یکی از جذابترین بخش فیلم عبور افراد ایل و گذراندن احشام از رودخانه‌ی سرد بازفت در بین کوه‌های زردکوه و تاراز و سپس عبور از عرض ۷۰۰ متری رود کارون با پوست حیواناتی مثل بز (که در اصطلاح محلی "کلک" گفته می‌شود) است.

هدف فیلم به تصویر کشیدن غلبه بر طبیعت و چگونگی مبارزه با مشکلات و گرفتاری‌هایی بود که در طول مسیر برای افراد کوچ نشین پیش می‌آمد (بخصوص سرمای زیاد و برف در ارتفاعات ۴۲۰۰ متری زردکوه بختیاری)، روش گردآوری اطلاعات به نوعی شیوه‌ی مشاهده همراه با مشارکت ۴۵ روزه‌ی کوپر آمریکایی و همکارانش در سبک زندگی کوچ نشینی مردم بختیاری با یک نگرش کل‌نگرانه و همراهی با ایل بختیاری بخصوص هنگام عبور از مناطق صعب‌العبور و برفی در ارتفاعات زردکوه بختیاری بوده است. موضوع این فیلم، روایت تصویری کوچ طایفه‌ی بابا احمدی از ایل بختیاری به سرپرستی حیدر خان و پسرش لطفعلی بعنوان شخصیت اصلی است، چراکه کد خدا و بزرگان نقش مهمی به عنوان منابع اطلاعاتی دارند و ملاک اعتماد عشایر به افراد به عنوان منابع اطلاعاتی تا حدی مبتنی بر شناخت آن‌ها از افراد است (فروتن و جمالی مهمویی، ۱۳۹۶).

این فیلم بخاطر خاستگاه آمریکایی کارگردان بیشتر متأثر از نظریه‌ی رماتیک آمریکایی است تا نظریه‌ی مالینوفسکی در گینه نو. چون مالینوفسکی با استفاده از نظریه‌ی آزمایش نقض کننده در قبایل گینه نو توانست در ابتدا با فرهنگ، زبان، آداب، سنن و آیین رفتاری آن مناطق آشنایی پیدا کند و سپس خود را جزئی از فرایند تحقیق به شکل طبیعی معرفی نماید، که بعداً تجربه‌ی زیسته خود را با روش‌های دقیق قوم‌نگارانه به همراه جزئیات رفتاری بیان نمود. این که چرا فیلم متأثر از نظریه‌ی رماتیک آمریکایی بود، چون کوپر و همکاران تصویر بردار، تصور می‌کردند که توانستند یک ایل گمشده را با سبک فیلم‌تطورگرایانه‌ی خودشان کشف نمایند، این تصور بر خلاف سبک تحقیقی مالینوفسکی بخاطر عدم آشنایی شان با میدان تحقیق بود، چرا که اگر این نوع شناخت حاصل می‌شد، هرگز ایل بختیاری را به عنوان یک جماعت ابتدایی معرفی نمی‌کردند که بگویند ایل بختیاری در مرحله‌ی ابتدایی تر نسبت به جماعت دیگر بسر می‌برند. هر چند که این تصور اشتباه را به عنوان یک موفقیت بزرگ برای خودشان جهت ساخت فیلم مستند بعدی از ایل بختیاری می‌دانستند (که عملی نشد).

این که چرا این فیلم تا سال ۱۳۴۶ به نمایش درنیامد، شاید بخاطر: الف) ناسازگاری با سیاست‌های رضاشاه که به دنبال خلع سلاح عشایر در منطقه بود. ب) حس همدلی کارگردان و درک زندگی مشقت بار ایل بختیاری در مسیر کوچ باشد. کوچی که در جامعه‌ی عشایری بختیاری دارای جاذبه و علت وجودی و با ارزش‌های فرهنگی در ارتباط است. چون ارزش کوچ هنوز بیانگر حضور و تجسم فرد در جامعه‌ی ایلی است. کوچ در جامعه‌ی عشایری بختیاری عمدتاً بصورت پیوسته و به صورت رفت و برگشت عمودی در محدوده‌ی مبنی از قلمرو و تیره است. حرکت کوچ به ندرت با یک خانوار انجام می‌گیرد و ممکن است خود را از یک طایفه بدانند. در مسیر کوچ (بختیاری)، تقریباً بخاطر برنامه‌ریزی قبلی هیچ چیزی حتی زایمان زنان نیز ادامه مسیر را متوقف نمی‌کند (محمودی، ۱۳۸۲: ۳۷). بر خلاف کم‌اهمیت تلقی کردن و به حاشیه بردن مفهوم خانواده در فیلم علف، خانواده (در ایل بختیاری) شالوده‌ی حیات اجتماعی محسوب می‌شود و گذشته از فرزندآوری و پرورش کودک و وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیت‌های اقتصادی، آموزش و پرورش و اجتماعی کردن فرد را به همراه دارد. این نوع خانواده نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها، هنجارها و میراث فرهنگی ایلی به عهده دارد (نیک بخش و باقری، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

فیلم‌های مردم‌نگاری دارای دو جنبه هستند: مستند و مردم‌نگارانه، و هنری و سینمایی. تضاد میان این دو عامل منجر به کشمکش‌ها و تضادهای بسیاری شده است. این اعتقاد وجود دارد که عناصر مستند یا مردم‌نگارانه یعنی فیلم در جنبه اتنوگرافیک آن باید به عناصر سینمایی اولویت بدهد، اما در بسیاری از فیلم‌های مردم‌نگارانه معروف، عناصر بصری بر عناصر مردم‌نگاری، برتری دارد. فیلم‌پرندگان مرده، ساخته رابرت گاردنر، نمونه‌ای از این موارد است. در این راستا، فیلم علف، یکی از قدیمی‌ترین سندهای تصویری مربوط به ایران است. این فیلم

محصول سال ۱۹۲۵ بوده و تصویری ستایش آمیز از شش ماه حضور طایفه باباحمدی در طبیعت و برای رسیدن به زردکوه بختیاری، ارائه می‌دهد (سید ابوالقاسمی، ۱۳۸۲: ۲۲۷).

با تحلیل محتوی رفتارشناسی کوپر و همکاران در مدت زمان ۴۵ روزه کوچ، می‌توان پی برد که وزارت خارجه‌ی امریکا این سه نفر را پس از جنگ جهانی دوم در قالب تهیه‌ی پوشش فیلم به میان ساکنان حوزه‌ی نفتی برای استحصال اخبار و اطلاعات و کنترل حوزه‌های نفتی به سرزمین بختیاری در خوزستان فرستاد (همانند جیکاک انگلیسی و نقش نمایشی که در حوزه‌های نفتی بختیاری ایفاء نمود). این نوع از ذهنیت ورود کارگردان فیلم به همراه اظهارات و نوشته‌های نژاد پرستانه، باعث شد که ایل بزرگ بختیاری را در خلق و خو و رفتار بسیار بد به جهانیان معرفی کنند. که بعداً با ترور رابرت ایمری در تیرماه ۱۳۰۳ (سرکنسول گری آمریکا) و خارج شدن کمپانی سینکлер پس از پایان فیلم، شایعه رقابت دولت‌های خارجی برای منابع نفتی در ایران قوت گرفت و نیت کارگردان و عوامل فیلم علف نیز آشکار شد. اما از موارد مردم نگارانه فیلم علف می‌توان به سخت کوشی و تلاش مستمر ایل بختیاری در مسیر کوچ ۴۵ روزه، مشارکت گروهی تا رسیدن به مقصد، همراهی زنان بختیاری همپای مردان در طول مسیر کوچ اشاره نمود.

فیلم علف به سبب حس همدلی‌اش با مردم عشایر و شخص حیدرخان و ناهمخوانی‌اش با سیاست‌های رضاشاه، که مسئله خلع سلاح قبایل و عشایر را پیگیرانه در دستور کار قرار داده بود، اجازه نمایش نگرفت تا اینکه ۴۲ سال بعد، در سال ۱۳۴۶ در فیلمخانه ملی ایران پخش شد. به واقع در دوره‌ای که انتشار جزوه، کتاب، روزنامه، برنامه رادیویی همه زیر نظر مقام‌های دولتی و در راستای اهداف آنها قرار داشت، سینما و فیلمی به مانند علف نمی‌توانست دور از نظر مقامات باقی بماند. در این مقطع رسالت اصلی سینما پوشش و تبلیغ پیشرفت و ترقی مورد نظر رضاشاه با ساخت فیلم‌هایی چون «دختر لر» (۱۳۱۱) و اسطوره‌سازی از رضاشاه با فیلم «راه‌آهن ایران» (۱۳۱۳) بود؛ بنابراین فیلمی مانند «علف» نبرد یک ملت برای زندگی» به سبب ترویج حس همدردی با ایلات و عشایر به عنوان موانع پیشرفت ایران (به‌زعم رضاخان) نمی‌توانست مورد قبول ملوکانه قرار گیرد.

مطلبی که در رابطه با این فیلم پنهان مانده این حقیقت است که خانم مارگریت هریسن (یکی از تهیه‌کنندگان فیلم) به واقع یکی از جاسوس‌های معروف آمریکایی است و تنها یکی از حرفه‌های او فیلم‌سازی بوده است که اتفاقاً با فیلم «علف: نبرد یک ملت برای زندگی» بسیار معروف می‌شود. هریسن از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۳ جاسوس آمریکا در روسیه و ژاپن بوده و در تضعیف اقتصادی بلشویک‌ها نقش داشته است. او در تاریخ ۱۹۱۹ توسط مقام‌های روسی بازداشت شد و این اسارت تا سال ۱۹۲۲ ادامه داشت. در این سال، به دلیل فروپاشی اقتصاد روسیه، در ازای پول و غذا آزاد شد. گفته می‌شود هریسن بار دیگر در سال ۱۹۲۳ به دلیل انجام اقدامات مخفی در روسیه بازداشت شد، اما با دخالت سفارت آمریکا، قبل از ارجاع به دادگاه آزاد گردید. خانم هریسن، ابراز امیدواری کرده است با ادامه قدرت‌گیری رضاخان حضور آمریکا در آینده ایران تسهیل و به انحصار روسیه و انگلستان پایان داده شود (آرشیو اسناد وزارت دفاع، پرونده ۲۱۵ ص ۵).

دانایی و ایل بیگی پور (۱۳۹۶)، در پژوهش تحت عنوان «ویژگی‌های منظر فرهنگی عشایر بختیاری و تاثیر آن در ساختار کوچ»، به این نتیجه دست یافتند که، عامل اقلیم، مرتع، کوچ، قرارگاه‌های عشایری، معیشت، مصالح و تکنولوژی ساخت و منابع در دسترس، جایگاه زن، سنت و زبان، تفریح و سرگرمی، مذهب، دین و باورها، رنگ، امنیت و خویشاوندی در ایجاد الگوی منظر فرهنگی عشایر نقش به‌سزایی دارند.

ضابطی جهرمی و منتظری (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان: بررسی و مقایسه‌ی فیلم‌های مستند مردم نگار پیرامون ایران با مطالعه‌ی موردی فیلم‌های علف، قوم باد، شقایق سوزان، بلوط و تاراز به این نتایج دست یافتند که، عدم بهره‌گیری کافی از دانش مردم شناسی، نگاه تصنعی به کوچ و عشایر در فیلم‌های علف و شقایق سوزان از مهمترین آسیب‌هایی است که این آثار را از ضوابط و معیارهای علمی فیلم‌های مردم نگار کم بهره کرده است. ساختار سینمایی قوی، بهره‌گیری از عناصر درام در فیلم‌های خارجی ساخته شده پیرامون عشایر بختیاری راه را برای تبلیغ ایدئولوژی که از حیطة علم مردم شناسی خارج است و تصویر ویژه‌ای که از ایران می‌دهند هموار می‌سازد.

عادل (۱۳۷۹)، علف را بیشتر فیلمی می‌داند که به ظاهر مراسم و آیین ایل بختیاری پرداخته و در باب مطالعات مردم شناسی از علت تاریخی حرکت ایل بحثی به میان نمی‌آورد. فیلم علف از آثاری از این دست است که دیگران راجع به ایران ساخته‌اند، خالی از اشکال نیست چون بی‌اطلاعی کوپر و همکاران از زندگی ایلی و توجه زیادش به حماسه‌پردازی موجب شده است که در فیلم علف شاهد تداوم عادی رویدادهای زندگی ایلی نباشیم.

افشار نادری (۱۳۵۲)، در مجله فرهنگ و زندگی بیان می‌کند که کوپر زیر نفوذ مردم نگاری عصر خویش، بدون مطالعه‌ی قبلی درباره کوچ و آگاهی از زندگی عشایر و ساخت ایلی به ساخت فیلم پرداخت. سازندگان در فیلم علف، بر جلوه‌ی عمومی شجاعت و توان طایفه تأکید داشته و در حمایت از آن شواهد فراوان ارائه می‌نمایند (نقیسی، ۱۳۸۷: ۱۳).

در میان نویس فیلم، مردمان بختیاری مردمانی فراموش شده معرفی می‌شود و کوپر و همکاران خود را در نقش همکارانی معرفی می‌کنند که این مردمان را کشف کردند (بارنو، ۱۸۷۴: ۸۵). چراکه، زندگی عشایری و شیوه کوچ نشینی، نخستین نظام اجتماعی جامعه بشری، محسوب می‌شود. زندگی عشایر با وجود نقش مهمی که در توسعه کشور داشته اند و علیرغم دگرگونی‌های بسیاری که در طول قرن‌های متمادی به خود دیده اند، دستخوش تغییر بنیادین چندانی نشده است. دلیل آن شاید نبود راه‌های ارتباطی و پراکندگی جامعه عشایری، فقدان وسایل ارتباطی و بیسوادی یا کم سوادی اکثریت جامعه بوده است (شکور و همکاران، ۱۳۹۹).

اگر چه وجود نفت و آشنایی ایرانیان با آن سابقه‌ی طولانی دارد، ولی نفت به عنوان یک صنعت در ایران با حضور انگلیسی‌ها (بعدهاً آمریکایی‌ها) همراه است و اولین چاه در مسجدسلیمان به نفت رسید. تحقیقات شرق شناسان در ایل بختیاری با مسائل استعماری در ارتباط است، زیرا انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و بعد آمریکایی‌ها به لحاظ امکان انجام هدف‌های استعماری نیاز به شناخت جوامع تحت نفوذ خود دارند (محمودی، ۱۳۸۲: ۶۲). یک فیلم مستند بایستی دارای ویژگی‌هایی نظیر: شناساندن جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر، منعکس کننده شناخت مردم نگارانه باشد. در این راستا بهترین عامل برای قوم نگارانه تلقی کردن محتویات یک مستند ایلی، میزان و نحوه‌ی حضور یک مردم نگار در فرایند ساخت آن مستند است، که بر این اساس نگاه پژوهشی اتنوگرافی در این فیلم کمتر دیده می‌شود چرا که ساختن فیلمی اتنوگرافیک درباره چگونگی مبارزه یک ایل با خشم طبیعت، باید با مطالعات دقیق میدانی و شناخت قبلی از فرهنگ و سنن جامعه آماری همراه باشد و با شناختن پی رنگ‌های رفتار ایلی در درون فیلم می‌توان پی برد که بخاطر همین عدم آشنایی کوپر و همکاران است که بیان نمودند، ما مردمان فراموش شده‌ای را در یک اقلیم دشوار و سخت کشف نمودیم. کوپر و همکارانش دو مانع بزرگ و دراماتیک کوچ را تبدیل به دو مشکل روایی فیلم مبدل ساختند: الف) عبور از رودخانه‌ی سرد و پرخروش کارون به عرض ۷۰۰ متر. ب) عبور از مناطق صعب العبور و برفی زردکوه بختیاری با ۴۲۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا.

روش شناسی پژوهش

عشایر از جمله اقشاری هستند که به دلیل ساخت سنتی - اجتماعی و شیوه زندگی و خانوادگی و ظواهر فرهنگی و عرف حاکم بر جامعه آنها، موجب گردیده است که نیازهای متفاوتی داشته باشند. شرایط زندگی، عشایر را و می‌دارد تا به جستجوی اطلاعاتی در زمینه ی بهداشتی، کشاورزی، دامپروری، و غیره بپردازند. باید توجه داشت که نیاز یک مقوله ارزشی است که با بافت اجتماعی و فرهنگی جوامع گره خورده است و بررسی نیازها مستلزم توجه به ارزشها است. از این رو نمیتوان بدون در نظر گرفتن نظرات، اولویتها و ارزشهای افرادی که نیازهای آنان مدنظر است، نیازهای مختلف را مورد بررسی قرار داد (داور پناه، ۲۰۰۷). در این راستا، روش شناسی مردم نگارانه عبارت است از مجموعه‌ای از دانش مبتنی بر عقل سلیم و یک رشته ملاحظاتی که اعضای عادی جامعه به وسیله آن شرایطی را که در آن قرار گرفته اند درک می‌کنند. راهشان را در این شرایط پیدا می‌کنند دست به عمل می‌زنند (هریتیچ، ۱۹۸۴، به نقل از ریتزر، ۱۳۸۴: ۳۶۵).

روش پژوهش قوم نگاری: معرفی ایل بختیاری با استفاده از ابزار تصویربرداری در شرایط طبیعی با روش کار میدانی، ساختار پژوهش قوم نگاری: الف. توصیف رویدادها و سبک کوچ در شرایط طبیعی ب. تأکید بر کلیت بافت ایلی با محوریت کوچ در ایل بختیاری. غلبه بر دشواری‌های پژوهش قوم نگارانه با همراهی شبانه‌روزی در طول ۴۵ روز و تحمل سختی‌ها و گرفتاری‌های مرتبط با کوچ ایلی است. در این راستا روش پژوهش حاضر، اسنادی و تاریخی و بر اساس تحلیل محتوی فیلم علف به شکل تأویل گرایانه است. همچنین نسبت به تحلیل ثانویه یافته‌های مرتبط با فیلم علف در قالب بررسی و نقد عمل گردید. سپس با تطبیق یافته‌های به دست آمده از این تحلیل ثانویه و تطبیق آن با اصل محتویات فیلم، به شکل انتقادگرایانه درون مایه فیلم بررسی و تحلیل گردید. بنابراین، روش مورد استفاده در این پژوهش کیفی و مبتنی بر توصیف و تحلیل است. تحلیل‌ها براساس منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های میدانی صورت پذیرفته است. مبانی نظری و تعاریف از دیدگاه نظریه پردازان با استفاده از منابع و مقالات متعدد مربوط به، انسان و طبیعت شناسایی شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق اتنو گرافی که روشی در مطالعات علوم اجتماعی است انجام شده است. این روش یکی از انواع تحقیقات میدانی است که، در آن پژوهشگر به تشریح فرهنگ و سبک زندگی گروهی از مردم می‌پردازد (طیبی، ۱۳۸۶، به نقل از فروتن و همکاران، ۳۰:۱۳۹۷). در این پژوهش از میان انواع قوم‌نگاری‌ها، از روش قوم‌نگاری مشاهده همراه با مشارکت استفاده شده است. منطقه بختیاری به وسعت حدود ۳۹۹۰۰ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران در امتداد رشته کوه‌های زاگرس میانی واقع شده است. این منطقه از شرق به استان اصفهان، از شمال به استان اصفهان و لرستان، از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد و از غرب به استان خوزستان محدود است.

منطقه به دو قسمت بیلاقی و قشلاقی تقسیم می‌شود. بیلاق بختیاری مشتمل بر شهرستان‌های داران و فریدونشهر (از استان اصفهان)، الیگودرز (از استان لرستان)، شهرستان‌های کوه‌رنگ اردل، کیار، بروجن لردگان و فارسان (از استان چهارمحال و بختیاری) است و قشلاق بختیاری مشتمل بر شهرستان‌های لالی، اندیکا، هفتکل، گتوند، باغملک، دزفول، اندیمشک، مسجدسلیمان، ایزه و شوشتر (از استان خوزستان) است. طایفه بابا احمدی، از شاخه هفت لنگ قوم بزرگ بختیاری هستند. شغل اصلی آنها دامپروری و کشاورزی است.

یافته‌ها و بحث

مطابق با یافته‌های پژوهش، جدول شماره (۱) و اینکه به گفته‌ی خود کوپر، هدف ساخت فیلمی در زمینه‌ی جغرافیایی انسانی بوده و نه مردم شناسی، انتقادات ذیل مطرح می‌گردد.

علف شامل دو پی رنگ برای مبارزه است. یکی کشف مردمان فراموش شده و دیگری کوچ بختیاری در سرزمین برفی و صعب العبور. اولین پی رنگ، تحلیل درونی فیلم است و پی رنگ دوم، الباقی فیلم را شامل می‌شود. در واقع علف مردمان بختیاری را همانند قهرمانان در تصویر به صورت درشت نشان داد. فیلمسازان دو مشکل عمده کوچ را به دو چالش اعتباری فیلم تبدیل ساختند. یکی از آنها مربوط به عبور از رودخانه سرد کارون بوده و دیگری مربوط به سخت کوشی ایلوندان بختیاری.

استفاده از نمای نزدیک تصاویر به افزایش بار نوستالژیکی فیلم و حس همذات پنداری جامعه مورد هدف مؤثر واقع شود. سپس شاهد صحنه‌هایی هستیم که در آن زنان و مردان به مناسبت کوچ می‌رقصند و چوب بازی می‌کنند و این چنین مقدمه کوچ را جشن می‌گیرند. علف- به نظام مرتبط و متداوم پدیده‌ها توجه نکرده است. برای مثال رقص و چوب بازی و سوار خوبی از پدیده‌های عروسی است و عروسی عشایر بیشتر در گرمسیر و گاهی در سردسیر صورت می‌گیرد و هرگز اتفاق نمی‌افتد که به هنگام کوچ خانواده‌ای عروسی راه بیندازد، در یک مرحله زنها برقصند و در مرحله دیگر مردها چوب بازی کنند و در مرحله‌ای هم نمایش سوار خوبی بدهند. این صحنه‌ها را طایفه بابا احمدی، قبل از حرکت برای خوش آمد کوپر درست کرده اند که فیلم بگیرد و او هم برای افزودن به زیبایی فیلم، هر صحنه‌ای را در بخشی از فیلم جای داده است (افشار نادری، از کتاب سینمای مستند ایران: ۸۲).

به طور کلی می‌توان گفت، فیلم علف کمتر صبغه مردم نگارانه دارد. چرا که بدون دیتای لازم از مفهوم کوچ ایل بختیاری و بدون حضور فرد مردم شناس و عمدتاً به روش خان نامه نویسی ساخته شده.

جدول ۱. انتقاد و بررسی فیلم علف

ردیف	شرح انتقادات
۱	این فیلم بدون هیچ گونه پژوهش مردم‌شناسانه شکل گرفت (یافته‌های عقل سلیمی کوپر و همکاران).
۲	کوپر و همکاران نمی‌دانستند از کوچی فیلم می‌سازند که هر سال ۲ نوبت صورت می‌گیرد.
۳	هدف کوپر و همکاران اکتشافات ذهنی خودشان بوده تا مطالعه‌ی اتنوگرافیکی ایل بختیاری.
۴	فیلم به کانون خانواده توجه ندارد و دیدگاه توتالیتریسم در سراسر فیلم حاکم است.
۵	فیلم در خدمت منافع استعماری غرب برای رقابت بر منابع نفتی بوده تا نگاه قوم نگارانه به ایل بختیاری.
۶	عدم آشنایی قبلی کوپر و همکاران و ورود به میدان تحقیق با سوءگیری و قضاوت هدفمندانه.
۷	موسیقی و نوع رقص و چگونگی زمانی آن در طول مسیر کوچ با توجه به شناخت نگارنده، ایراد دارد.
۸	اهمیت ساختن یک فیلم اتنوگرافی، لزوم حضور محقق مردم نگار در فرایند ساختن فیلم است.
۹	فیلم علف بیشتر یک اثر مبتنی بر باورداشتهای ذهنی است تا قوم نگارانه چون بدون اطلاع از فرهنگ، آداب و رسوم و گویش ایل بختیاری صورت گرفت (برخلاف روش تحقیق مالینوفسکی).
۱۰	روش ساخت فیلم، روش خان نامه نویسی مبتنی بر تحلیل مسیر کوچ و تحلیل روایت است.

نتیجه گیری

یکی از ویژگی‌های روش قوم نگارانه ورود پژوهشگر بدون قضاوت ذهنی^۲ و پیش فرض در میدان تحقیق است، ولی کوپر و همکارانش با یک نوع پیش داوری و قضاوت منفی پا به عرصه‌ی میدان تحقیق گذاشته‌اند. چرا که غایت یک کار اتنوگرافی باید مبتنی بر توصیف فرهنگ یک جمعیت و در این تعریف فرهنگ ایل بختیاری باشد که به تعبیر ماکس وبر جامعه شناس آلمانی با روش فرشته‌ن یا درون فهمی^۳ مبتنی بر پژوهش کیفی استحصالی شود. روش مشارکت که در آن ما شاهد همراهی ۴۵ روزه کوپر و همکارانش با ایل بختیاری بودیم در آن عدم رعایت بازتابندگی در قوم نگاری مشهود است، چون نگاه عوامل کارگردانی به شاخص‌های ایلی و سبک زندگی عشایر بختیاری با نوع نگاه جامعه‌ی آماری در میدان تحقیق (افراد کوچرو)، بخاطر عدم نگاه پژوهشی و مردم نگارانه به اصطلاح محققین مطابقت نداشته است. توجه به روش امیک^۴ در روش قوم نگارانه و درگیر شدن محقق با واقعیات ملموس و انتزاعی جامعه مورد بررسی، منتها کوپر و همکارانش وقایع پیرامون را بیشتر از زاویه‌ی دید خود می‌دیدند تا ایلوندان بختیاری، همچنین عدم توجه به رویکرد اتیک^۵ بخاطر نگاه درونی به اتفاقات پیرامون در درون فیلم مشهود است. چرا که مطابق دیدگاه ژرژ لاپاساد مشاهده گری فعال و در برخی اوقات ناظر به عنوان جایگاه پژوهشگر در میدان تحقیق باید شکل گیرد. شاید یکی از دلایل عدم مشاهده گری فعال در این فیلم، عدم شناخت کارگردان از زبان و فرهنگ بختیاری و عدم اطلاع از چگونگی مسیر کوچ است.

در نبود اطلاعات کافی از میدان تحقیق به اصطلاح نسبیت فرهنگی شکل می‌گیرد که ممکن است با خود عدم رعایت اخلاق پژوهشی و وارد نمودن نظرات متعصبانه به همراه دارد (مثل درون مایه فیلم علف). فیلم علف با نگاه حماسه‌گرایانه خود به کوچ از ژرف نگری یک اثر مردم نگارانه به دور ماند، این فیلم بیشتر اثر ماجراجویی است که زندگی عجیب و بدوی مردمان بختیاری را با شگفتی به تصویر می‌کشاند. از سوی دیگر فقری که بر بختیاری حاکم بود، جدا از جاذبه‌های که برای فیلم سازان خارجی داشت، راه را برای جولان شرق شناسان در ایران هموار ساخت (ضابطی جهرمی و منتظری، ۱۳۸۸). چرا که شرکت سابق نفت به نام شرکت نفت ایران و انگلیس در مسجد سلیمان و مناطق اطراف

^۱ رقص و چوب بازی در فیلم قبل از کوچ و بیشتر برای خوش آمدگویی از کوپر و همکارانش بوده، این یعنی عدم توجه به نظام مرتبط و مداوم پدیده‌ها از سوی کارگردان فیلم علف.

^۲ Bias

^۳ verstehen

^۴ emic

^۵ etic

اقدام به ایجاد تأسیسات و شهر سازی نمود و گرایش‌های عشایر نیز با فروش دام‌های خود و وارد شدن در صنعت نفت گسترش یافت (محمودی، ۱۳۸۲، ص ۶۴).

هرسکویستی می‌گوید " فرهنگ راه و روش زندگی یک قوم است" چون فرهنگ شیوهی تفکر، عمل و شیوهی زندگی است (نیک‌بخش و باقری، ۱۳۹۲: ۳۸). فیلم علف کم و بیش با ذهنیت غرب گرایانه همراه است. همچنین از آفت‌های تفکر شرق شناسانه (اورینتالیستی)، در امان نمانده است. چرا که اورینتالیسم تاریخ دروغینی از شرق به شیوه مورد علاقه غربیان نشان می‌دهد. کما اینکه از دیدگاه ادوارد سعید جامعه شناس، اورینتالیسم شناخت غربیان از شرق به شیوه دلخواه آنان است (سید ابوالقاسمی، ۱۳۸۲: ۲۲۸). در نتیجه فیلم علف در کنار انتقاد های بعمل آمده، ظرفیت های موجود در طبیعت، فرهنگ و زندگی مردمان بختیاری را به تصویر می‌کشد. در نتیجه فیلم مذکور را کمتر می‌توان به عنوان یک فیلم مردم نگارانه دید، چرا که، فیلم قوم نگاری فیلمی است که سعی در شناساندن جامعه ای به جامعه دیگر دارد. چنین فیلمی ممکن است در باره زندگی مادی یا تجربه اجتماعی یک قوم باشد. فیلم مردم نگارانه، فیلمی است که منعکس کننده شناخت مردم نگارانه باشد. هر قدر فیلمی در این شناخت موفق تر باشد، آن فیلم مردم نگارانه تر خواهد بود. در ساخت یک فیلم مردم نگارانه، درک مردم نگارانه بدون کمک تخیل سینمایی بی فایده است. اما به رغم این هشدارها، بهترین عامل برای پیش بینی مردم نگارانه بودن یک فیلم، میزان حضور یک مردم نگار در فرایند ساخت آن فیلم است (هایدنر، ۱۳۸۵: ۱۹۰). در پایان به زعم دانایی نیا و ایل بیگی پور (۱۳۹۶)، می‌توان گفت که، عدم توجه به عناصر فرهنگ ساز در دهه های اخیر سبب از بین رفتن برخی از خصوصیات بومی و فرهنگی عشایر شده است. در این راستا، شناسایی این عوامل کمک شایانی به استمرار حیات این میراث غنی و احیای این مناظر نموده است. چرا که، همه بخش های زندگی عشایر کمابیش تغییری را پذیرفته اند، حرکت به سوی زندگی مدرن و هر تغییری در وضعیت سنتی، دارای دو جنبه بوده است از یک سو رفاه و آسایش و از سوی دیگر یکسری مسائل و مشکلات را برای عشایر بوجود آورده است (مهدوی و حسینوند، ۱۳۹۴).

منابع

- آرشو اسناد وزارت دفاع، مقطع اول، بخش دیپلماسی و امور بین الملل، زونکن ۴، پرونده ۲۱۵ ص ۵.
- افشار نادری، نادر (۱۳۵۲)، فیلم مردم شناسی با نگاهی به فیلم علف، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۳ و ۱۴، ص ۲۹-۳۱.
- بارنو، اریک (۱۹۷۴)، تاریخ سینمایی مستند، ضابطی جهرمی، احمد (۱۳۸۰)، چاپ اول، سروش، تهران.
- بهارلو، عباس (۱۳۷۹)، تاریخ تحلیلی ۱۰۰ ساله سینمای ایران، چاپ اول، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- سید ابوالقاسمی مهیار. علف (۱۳۸۲)، علف، مجله انسان شناسی (نامه انسان شناسی). دوره ۲، شماره ۴، ۲۲۷-۲۲۹.
- دانایی نیا، احمد. ایل بیگی پور، فرانک (۱۳۹۶)، ویژگی های فرهنگی ایل بختیاری و تاثیر آن بر کوچ، نشریه باغ نظر، دوره ۱۴، شماره ۵۷، ۳۸-۵۲.
- ریترز، جورج، ترجمه ثلاثی محسن (۱۳۸۴)، نظریه های جامعه شناسی دوران معاصر، چاپ دوم، انتشارات علمی، تهران.
- ضابطی جهرمی، احمد، منتظری، شیوا (۱۳۸۸)، بررسی و مقایسه فیلم های مستند مردم نگار پیرامون ایران، فصلنامه رادیو و تلویزیون، سال ۵، شماره ۹، صص ۱۱-۳۸.
- فروتین، فریبرز، جمالی مهمویی حمید رضا (۱۳۹۷)، قوم نگاری نیاز ها و اعمال اطلاعاتی عشایر کوچ نشین طایفه بابادی ایل بختیاری، مجله تعامل انسان و اطلاعات، ۴ (۴).
- عادل، شهاب الدین (۱۳۷۹)، سینمای قوم پژوهی، چاپ اول، سروش، تهران.
- محمودی، سیاوش (۱۳۸۲)، جامعه شناسی کاربردی عشایری، چاپ اول، انتشارات مهزیار، اهواز.
- مهدوی، داود. حسینوند، مسعود (۱۳۹۴)، تاثیر مدرنیته بر زندگی و کوچ بختیاری، اولین کنفرانس بین المللی علوم جغرافیایی، آباده، فارس. ۱-۱۱.
- نقیسی، حمید (۱۳۵۷)، فیلم مستند، چاپ اول، دانشگاه آزاد ایران، تهران
- نیک بخش، بهرام. باقری معصومه (۱۳۹۲)، درآمدی بر مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، نشر کردگار، اهواز
- Archive of documents of the Ministry of Defense, first section, Department of Diplomacy and International Affairs, Zonken 4, file 215, page 5. (In Persian).
- Afshar Naderi, Nader (1980), Anthropology film with a look at the film Grass, Culture and Life, No. 13 and 14, pp. 29-31. (In Persian).
- Abolghasemi, M., Grass (2003), Grass, Anthropology Journal (Anthropology Letter). Volume 2, Number 4, 227-229. (In Persian).

¹ Orientalism

- Adel, Shahabuddin (2000), *Ethnography Cinema*, First Edition, Soroush, Tehran. (In Persian).
- Barno, Eric (1974), *History of Documentary Cinema*, Zahbi Jahromi, Ahmad (2001), First Edition, Soroush, Tehran. (In Persian).
- Baharloo, Abbas (2000), *100-year analytical history of Iranian cinema*, first edition, Cultural Research Office, Tehran. (In Persian).
- Davarpanah, M. R. (2007). *Scientific relationship: information need and information behavior*. Tehran: Dabizesh; Chapar Publishing Co. (in Persian)
- Forootan, Fariborz, Jamali Mahmavi Hamid Reza (1396), *Ethnography of the needs and information practices of nomadic tribes of Babadi tribe of Bakhtiari tribe*, *Journal of Human-Information Interaction*, 4 (4). (In Persian).
- Mahmoudi, Siavash (2003), *Applied Nomadic Sociology*, First Edition, Mahziar Publications, Ahvaz. (In Persian).
- Nafisi, Hamid (1978), *Documentary*, First Edition, Iran Azad University, Tehran. (In Persian).
- Nikbakhsh, Bahram. Bagheri Masoumeh (2013), *An Introduction to the Basics of Sociology*, First Edition, Kordgar Publishing, Ahvaz.. (In Persian).
- Ritzer, George, Mohsen's triple translation (2005), *Sociological Theories of the Contemporary Edition*, Second Edition, Scientific Publications, Tehran. (In Persian).
- Shakoor, A., Tabibi, H. R., Bagherzadeh, M. S., & Vahedpoor, G. (2013). *Measuring the economic and social factors influencing residency of nomads*. *Journal of Regional Planning*, 3 (9), 1-11. (Persian)
- Zabeti Jahromi, Ahmad, Montazeri, Shiva (2009), *Review and comparison of ethnographic documentaries about Iran*, *Radio and Television Quarterly*, Volume 5, Number 9, pp. 11-38. (In Persian).

How to Cite:

nikbakhsh, Bahram. (2022). Critique of the documentary film *Grass in Bakhtiari tribe* from the perspective of ethnographic sociology. *Studies of Nomads Area Plannig*, 1(2), 31-38.

ارجاع به این مقاله:

نیک‌بخش، بهرام. (۱۴۰۰). نقد و بررسی فیلم مستند علف در ایل بختیاری از منظر جامعه‌شناسی قوم نگارانه. *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۱(۲)، ۳۱-۳۸.



Review Article

Critique of the documentary film Grass in Bakhtiari tribe from the perspective of ethnographic sociology

Bahram Nikbakhsh* - Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Receive Date: 18 November 2021

Accept Date: 10 January 2021

ABSTRACT

Introduction "Grass" is one of the first ethnographic documentaries, a film directed by Marianne Cooper, Shod Sack and American Harrison, made in 1304 AH (1925 AD).

Purpose of the research: The subject of this film is the visual narration of the Baba Ahmadi tribe migrating from the Bakhtiari tribe under the leadership of Haidar Khan and his son Lotfali as the main character, which is a type of field research with observation and participation.

Methodology The present study critiques sociological and film studies using the method of "ethnography" influenced by American romantic theory and compares it with Malinowski's theory in New Guinea. The research method is documentary and historical, and based on the content analysis, the film "Grass" is "interpretive".

Geographical area of research The study area is Koohrang, Lali and Masjed Soleiman counties. According to the grass film, more than fifty thousand men and women, along with a large number of cattle, started migrating from Khuzestan to Chaharmahal and Bakhtiari at a distance of more than 500 km in the spring (early May).

Results and discussion Based on the secondary analysis, the findings related to the film "Grass" were reviewed and critiqued, then by matching the findings and comparing it with the original contents of the film, its theme was critically reviewed and analyzed. Finally, while reviewing and criticizing the film, it was found that: "Lack of reflection" is evident in ethnography.

Conclusion Based on the "Emik" method in the ethnographic method, it can be said that Cooper and his colleagues viewed the events around them more from their own point of view than the nomadic people of Bakhtiari tribe. Also, based on the "ethical" approach (internal view of what is happening around), the theme of the film was criticized, because according to Georgel Pasad's view, active and participatory observation should always be formed in the field of research. It can also be said that the film "Grass" has a kind of "Orientalist" view (from the point of view of Edward Said), because "Orientalism" is a history of the East in a way that is preferred by Westerners.

KEYWORDS: Bakhtiari tribe, ethnography, grass film, Cooper, Sak and Hariston.